

اتحادملت - گروه جامعه؛ چند وقت پیش بود که بخش غیرقانونی فیلم خصوصی یکی از بازیکنان تیم ملوان بندرانزلی، باعث شد که یک مجری کم‌تجربه و تازه‌کار طی برنامه‌ای تلویزیونی، آن را ناپسند و نشانه‌ای از بی‌حیایی بداند و اعلام کند که این موضوع آن‌قدر بد است که حتی نمی‌تواند درباره آن صحبت کند. اما حالا، مدت کوتاهی پس از همان اظهارنظر، فحش‌های رکیک خداداد عزیزی به شکلی واضح از آنتن زنده تلویزیون پخش شد که باعث بهت و حیرت بیننده شد. در ابتدا شاید تصور می‌شد که شنیده‌ها به اشتباه بوده، اما تکرار این عبارات تأیید کرد که نه‌تنها اشتباهی در کار نبوده است، بلکه خانواده‌های حاضر در مقابل تلویزیون ناگزیر شاهد شنیدن بی‌پرده‌ترین الفاظ ممکن شدند.

حواشی حضور خداداد عزیزی در یک برنامه زنده تلویزیونی فراتر از مسائل معمول ورزشی رفت. او هنگام گفت‌وگوی رسمی از کلماتی استفاده کرد که موجی از واکنش‌ها را به همراه داشت و بحثی قدیمی را بار دیگر مطرح کرد؛ اینکه چرا زبان خشن و فحاشی این‌قدر آسان وارد فضای گفت‌وگو شده و حتی به محضری چون آنتن زنده تلویزیون نیز راه یافته است. عصبانیت یا فحاشی از سوی فردی که سابقه زیادی در حضور در برنامه‌های زنده دارد و طبیعتاً با قوانین این فضا آشناست، بر این موضوع تأکید می‌کند که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک اشتباه یا لغزش لحظه‌ای دانست، بلکه به نظر می‌رسد مسئله‌ای فرهنگی و رایج شده است.

عادی‌شدن فحاشی

در سال‌های اخیر، روند عادی‌سازی استفاده از کلمات ناشایست در محیط‌های عمومی شکل گرفته است؛ به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی که با سرعت بالای انتشار محتوا و رقابت برای جلب توجه بیشتر، تأثیری جدی بر رفتار و گفتار افراد گذاشته‌اند. در این میان، مرز میان صمیمیت و بی‌ادبی به شدت کمرنگ شده و بعضی‌ها این دو را یکی می‌دانند. همین بی‌توجهی به تفاوت میان ادب و بی‌ادبی باعث شده فحاشی برای بخشی از جامعه به یک قاعده روزمره تبدیل شود. چیزی که پیش‌تر زشت و زنده تلقی می‌شد، اکنون برای برخی نشانه شفافیت و رک‌گویی قلمداد می‌شود. متأسفانه گسترش این روند نشان می‌دهد که حتی در میان کودکان نیز استفاده از الفاظ نامناسب عادی شده است.

رفتاری که خداداد عزیزی در آن برنامه تلویزیونی نشان داد نیز در همین راستا قابل بررسی است. بخش‌هایی از جامعه تحولی را تجربه کرده‌اند که طی آن، همچون این فوتبالیست سابق، استفاده از کلمات تند و بدون تعارف برایشان سهل و عادی شده است. این تغییر رفتار، ابتدا از محیط شخصی و فضای مجازی شروع شد و آرام‌آرام به عرصه‌های رسمی نیز راه پیدا کرد. نتیجه آن شرایط کنونی است، جایی که مرز میان ادب

و بی‌ادبی تا حد زیادی ناپدید شده و حتی یک مهمان برنامه تلویزیونی به همان سبک و لحن روزمره‌اش صحبت می‌کند، گویی که فراموش کرده میلیون‌ها نفر شاهد او هستند. عجیب‌تر اینکه واکنش مجری برنامه نیز تنها در حد یادآوری روشن بودن میکروفون او بوده و هیچ واکنش قاطعانه دیگری صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد این بی‌تفاوتی به چنین رفتارهایی نیز بخشی از همین روند عادی‌سازی بوده و نشانه‌ای جدی از مقبولیت فحاشی در برخی بخش‌های جامعه محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش ناهنجاری زبانی امروزی، به ویژه در قالب فحاشی، ریشه در عادی شدن این رفتار در فضای مجازی دارد. جایی که برخی افراد زیر پوشش طنزگویان یا کاربران سرگرم‌کننده، هرچه به ذهنشان می‌رسد بر زبان می‌آورند و به جای آنکه بازخورد منفی دریافت کنند، حتی تحسین شده و دنبال‌کنندگان بیشتری کسب می‌کنند. این روند به مرور از فضای مجازی فراتر می‌رود و وارد زندگی روزمره می‌شود. به عنوان مثال، والدینی که شاهد یاد گرفتن یک واژه رکیک توسط فرزندشان هستند، نه تنها از این موضوع نگران نمی‌شوند بلکه ممکن است با خنده و فیلم‌برداری از اشتباه لفظی کودک، آن را در میان سایرین به اشتراک بگذارند. ویدیوهایی از این قبیل خیلی زود دست به دست شده و واکنش‌های عمومی بیشتر به تحسین لحن کودک یا شوخی با اشتباه کلامی او ختم می‌شود.

بخش دیگری از ماجرا، بحران کلی در انتخاب الگوهای رفتاری فضای مجازی است. امروز بسیاری از تولیدکنندگان محتوا یا بلاگرها با استفاده از الفاظ توهین‌آمیز و لحنی تهاجمی، طرفداران بیشتری پیدا می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی، فارغ از اینکه بخواهیم یا نه، نقش مهمی در شکل‌دهی به الگوهای جامعه دارند. برای نمونه، جایی که بخشی از بلاگرها با شوک‌آفرینی کلامی مخاطبان جذب می‌کنند، این پیام غیرمستقیم منتقل می‌شود که شناخته‌شدن با لحن تند و توهین امکان‌پذیر است. البته نباید صرفاً چند چهره مجازی را مقصر دانست، زیرا وقتی اشخاص معروف دیگر، مانند ورزشکاران مشهور نیز در رسانه‌های زنده از کلمات ناشایست استفاده می‌کنند، بی‌شک تأثیر این رفتارها در جامعه بیشتر خواهد شد. با این حال نمی‌توان انکار کرد که همین «بلاگرهای فحاش» نقشی پررنگ در عادی‌سازی این الگوی گفتاری داشته‌اند؛ مدلی که برخی مخاطبان آن را وارد رفتارهای روزمره‌شان می‌کنند.

عامل دیگری که نمی‌توان از نقش آن غافل شد، تغییر ماهیت طنز است. طنز اصیل ایرانی همیشه بر پایه لطافت گفتار، کنایه‌های هوشمندانه و ایهام بنا بوده است. اما طنزهای پرترفدار کنونی در شبکه‌های اجتماعی، اغلب به کلمات زشت و نامتعارف تکیه دارند. جذاییت سطحی و فوری شنیدن

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: پویا وکیلی

اعضای شورای سیاستگذاری: دکتر مصطفی مسجدی و حسن وکیلی

دفتر مرکزی: یوسف آباد، خیابان اسدابادی، بین خیابان ۱۹ و ۲۱ پلاک ۲۰۷، واحد ۵ تلفن: ۰۲۱۸۸۹۸۲۱۳۷ - ۰۲۱۸۸۳۹۶۱۴۹

پست الکترونیک: etehademelat.ir / ایمیل: etehademelat.ir@gmail.com

سازمان آگهی‌ها: ۰۲۱۸۶۰۵۳۲۹۰ - ۰۲۱۸۶۰۵۴۱۱۸ - ۰۲۱۸۹۸۲۱۳۷ / سازمان شهرستان: ۰۲۱۸۶۰۵۴۱۱۸ / چاپ: شاخه‌سبز

حادثه‌ای که فراتر از تلویزیون زنده رخ داد

ادب از که آموختی؟ از خداداد عزیزی!



چنین عبارات باعث شده که فحاشی به ابزاری ساده برای خنداندن تبدیل شود.

همچنین می‌توان از کاهش شرم عمومی نسبت به بی‌ادبی به عنوان نکته‌ای دیگر یاد کرد. پیش‌تر اگر کسی در موقعیت‌های شخصی، واژه‌های دور از ادب به کار می‌برد، در جمع‌های رسمی توجه بیشتری به گفتار داشت. اما حالا این خط قرمز کمتر رعایت می‌شود؛ شاید چون فرد احساس می‌کند جامعه چنین رفتارهایی را جدی نمی‌گیرد. وقتی فحاشی در کنار سرگرمی‌های شبکه‌های اجتماعی عادی‌سازی شود، فشار اجتماعی برای حفظ ادب نیز کاهش پیدا خواهد کرد. این چرخه بدون شک تأثیرات بلندمدتی بر هنجارهای رفتاری و اجتماعی خواهد گذاشت.

آنتن زنده و لایو اینستاگرامی

یکی از دلایل بروز اتفاقات غیرمنتظره در برنامه‌های تلویزیونی زنده، کاهش اعتبار و جایگاه رسانه‌های رسمی است. امروزه تلویزیون، حتی با وجود برنامه‌های زنده، دیگر آن جایگاه برجسته گذشته را برای مردم ندارد. برای مخاطبان، یک برنامه زنده تلویزیونی تفاوت چندانی با یک لایو ساده اینستاگرامی یا یک گفت‌وگوی عادی اینترنتی ندارد. وقتی مخاطب چنین تصویری دارد، همان برنامه نیز استودیو را جدی‌تر از یک جمع دوستانه نمی‌بیند. او احساس نمی‌کند که باید پیش‌ازحد روی کلمات یا لحنش حساس باشد. در چنین شرایطی که مرز بین مکالمات رسمی و غیررسمی کمرنگ می‌شود، وقوع رویدادهای جنجالی چندان دور از انتظار نیست.

فحاشی به‌عنوان زست اجتماعی

وقتی این نشانه‌ها کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، تصویری وسیع‌تر از تغییرات فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. در جامعه امروزی، فحاشی آسان‌تر شده و گاه حتی جایگزین شوخطبعی می‌شود. اما یکی از

کوناکون

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۴

شماره ۲۱۰۰

۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷

۸ دسامبر ۲۰۲۵

به نظر می‌رسد یکی از

مهم‌ترین عوامل گسترش

ناهنجاری زبانی امروزی، به

ویژه در قالب فحاشی، ریشه

در عادی شدن این رفتار در

فضای مجازی دارد

زندگی بهتر

برنامه‌نویسی کلید مسئولیت‌پذیری و خلاقیت کودکان



آموزش برنامه‌نویسی به کودکان نه تنها مهارت‌های فنی آنها را تقویت می‌کند بلکه با پرورش تفکر انتقادی، پشتکار و مسئولیت‌پذیری آنها را برای آینده‌ای موفق آماده می‌کند.

عبدالله فیض الله زاده مدیر عامل آکادمی یاسان: در دنیای به سرعت در حال تحول امروز، تجهیز کودکان به مهارت‌های نوین به ویژه در حوزه فناوری از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. برنامه‌نویسی به عنوان یکی از مهارت‌های کلیدی قرن بیست و یکم نه تنها درهای دنیای فناوری را به روی کودکان می‌گشاید، بلکه نقش بسزایی در ارتقای مسئولیت‌پذیری و دانش آنها ایفا می‌کند. آموزش برنامه‌نویسی به کودکان، فراتر از یادگیری یک زبان فنی، فرصتی برای پرورش مهارت‌های حیاتی زندگی فراهم می‌کند. در فرآیند برنامه‌نویسی، کودکان با چالش‌هایی مواجه می‌شوند که نیازمند برنامه‌ریزی، سازماندهی و حل مسئله هستند.

این فرآیند به طور مستقیم مسئولیت‌پذیری را در کودکان تقویت می‌کند، زیرا آنها یاد می‌گیرند که:

اهداف را تعیین کنند: کودکان باید قبل از شروع برنامه‌نویسی، هدف خود را مشخص کنند و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی کنند.

تصمیم‌گیری کنند: در طول فرآیند برنامه‌نویسی، کودکان با انتخاب‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند که هر کدام پیامدهای خاص خود را دارند.

اشتباهات خود را بپذیرند: اشتکالات (یا به اصطلاح باگ‌ها) بخشی اجتناب‌ناپذیر از برنامه‌نویسی هستند. کودکان یاد می‌گیرند که از اشتباهات خود درس بگیرند و برای رفع آنها تلاش کنند.

پشتکار داشته باشند: برنامه‌نویسی می‌تواند چالش‌برانگیز باشد و نیازمند صبر و پشتکار است. کودکان یاد می‌گیرند که در مواجهه با مشکلات، تسلیم نشوند و به تلاش خود ادامه دهند.

۲. برنامه‌نویسی به عنوان بستری برای گسترش دانش

برنامه‌نویسی، به کودکان این امکان را می‌دهد که دانش خود را در زمینه‌های مختلف گسترش دهند. در حین برنامه‌نویسی، کودکان با مفاهیم ریاضی، علوم، منطق آشنا می‌شوند. آنها یاد می‌گیرند که چگونه این مفاهیم را در دنیای واقعی به کار ببرند و مسائل را به شیوه‌ای خلاقانه حل کنند. علاوه بر این، برنامه‌نویسی به کودکان کمک می‌کند تا:

تفکر انتقادی را تقویت کنند: کودکان یاد می‌گیرند که چگونه اطلاعات را تجزیه و تحلیل کنند، فرضیات را بررسی کنند، و راه‌حل‌های مختلف را ارزیابی کنند.

خلاقیت خود را پرورش دهند: برنامه‌نویسی یک فرآیند خلاقانه است که به کودکان این امکان را می‌دهد که ایده‌های خود را به واقعیت تبدیل کنند.

مهارت‌های ارتباطی خود را بهبود بخشند: کودکان یاد می‌گیرند که چگونه ایده‌های خود را به طور واضح و مختصر بیان کنند و با دیگران همکاری کنند.

سواد دیجیتال خود را افزایش دهند: در دنیای امروز، سواد دیجیتال یک مهارت ضروری است. برنامه‌نویسی به کودکان کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از فناوری داشته باشند و از آن به طور موثر استفاده کنند.

۳. توانمندسازی نسل آینده از طریق برنامه‌نویسی

آموزش برنامه‌نویسی به کودکان، سرمایه‌گذاری در آینده است. کودکانی که برنامه‌نویسی را یاد می‌گیرند نه تنها مهارت‌های فنی مورد نیاز برای موفقیت در قرن بیست و یکم را کسب می‌کنند، بلکه مسئولیت‌پذیری، دانش و تفکر انتقادی خود را نیز تقویت می‌کنند. با تجهیز کودکان به این مهارت‌ها ما آنها را برای مواجهه با چالش‌های آینده و ایجاد دنیایی بهتر توانمند می‌سازیم. برنامه‌نویسی کلید باز کردن پتانسیل کامل نسل آینده است.

کتابخانه

کتاب «ترس از دیگران» منتشر شد

کتاب «ترس از دیگران» نوشته کریستوف آندره، پاتریک لژرون و آنتوان پلیسولو توسط انتشارات ققنوس روانه بازار نشر شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، کتاب «ترس از دیگران» نوشته کریستوف آندره، پاتریک لژرون و آنتوان پلیسولو با ترجمه سیمین رضائی، توسط انتشارات ققنوس روانه بازار نشر شد. در توضیحات پشت جلد این کتاب آمده است: پزشکان و روانشناسان ترس از دیگران را اضطراب اجتماعی می‌نامند که اغلب در اشکال جدی و دردناکی ظاهر می‌شود. آنچه در ظهور این ترس نقش دارد به بیش از یک عامل مربوط می‌شود؛ عوامل ژنتیکی، فرایندهای زیستی و عصب زیستی، روش‌های تربیتی، فشارهای فرهنگی و عوامل زندگی فردی در ظهور اضطراب اجتماعی نقش دارند. تحقیقات متعددی ثابت کرده‌اند که این اضطراب اغلب حاصل نگرانی از ارزیابی دیگران است.»

کتاب مذکور در چاپ نخست با تیراژ هفتصدوهفتاد نسخه منتشر شده است.

اینفوگراف

هنرمند: علی میرایی

روایت آمارها از تغییرات تورم اقلام پر مصرف خانوار

